

## ویژگی های بهشت و بهشتیان

خداوند در سوره دخان آیات ۵۱ تا ۵۷ به وصف متقین که وارد بهشت شده اند می پردازد و می فرماید: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامِ أُمِّينَ \* فِي جَنَّاتٍ وَ عِوْنَ \* يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ \* كَذَلِكَ وَ زَوْجَانَهُمْ بِحُورٍ عِینَ \* يَدْخُلُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ أَمْنِینَ \* لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةُ الْأُولَى وَ وُقَاهُمْ عَذَابُ الْجَحِیمِ \* فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ؛ پرهیزکاران در جایگاه امن و امانی هستند. در میان باغها و چشمه ها. آنها لباسهایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند، و در مقابل یکدیگر می نشینند. اینچنینند بهشتیان، و آنها را با حور العین تزویج می کنیم. آنها هر نوع میوه ای را بخواهند در اختیارشان قرار می گیرد، و در نهایت امنیت به سر می برند. هرگز مرگی جز همان مرگ اول (که در دنیا چشیده اند) نخواهند چشید و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ می کند. این فضل و بخششی است از سوی پروردگارت، و این پیروزی بزرگی است». در این آیات مواهب و پاداشهای بهشتیان را می شمرد. این پاداشها در هفت قسمت خلاصه شده: نخست اینکه: پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند بنا بر این هیچ گونه ناراحتی و ناامنی به آنها نمی رسد، و در امنیت کامل از آفات و بلاها، از غم و اندوهها، از شیاطین و طاغوتها به سر می برند. سپس به ذکر نعمت دوم پرداخته، می گوید: آنها در میان باغها و چشمه ها به سر می برند، و جایگاه آنها از هر سو با درختان و چشمه ها احاطه شده (فی جنات و عیون). از انواع جامه های دیا، نازک و ستر می پوشند، روبروی هم می نشینند و از مجالست با یکدیگر لذت می برند. تعبیر به جنات (باغهای پر درخت) ممکن است اشاره به تعدد باغهایی باشد که هر یک از بهشتیان در اختیار دارند، و یا اشاره به مقامهای مختلف آنان باشد چرا که باغهای بهشت نیز همه یکسان نیست و به تفاوت درجات بهشتیان متفاوت است.

در مرحله سوم به لباسهای زیبای آنها اشاره کرده می افزاید: آنها لباسهایی از حریر لطیف و نازک و ضخیم می پوشند، و در برابر یکدیگر بر تختها جای دارند (یلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ). سندس به پارچه های ابریشمین نازک و لطیف می گویند، و بعضی قید زربافت را نیز به آن افزوده اند. استبرق به معنی پارچه های ابریشمی ضخیم است، و جمعی از اهل لغت و مفسران آن را معرب کلمه فارسی استبر یا ستر (به معنی ضخیم) می دانند، این احتمال نیز هست که ریشه آن عربی باشد و از برق (به معنی تلالؤ) گرفته شده است، به خاطر درخشندگی خاصی که این گونه پارچه ها دارد. البته در بهشت گرما و سرمای شدیدی وجود ندارد تا به وسیله پوشیدن لباس دفع شود، بلکه اینها اشاره به لباسهای متنوع و گوناگون بهشتی است، و همانگونه که قبلاً گفته ایم الفاظ و کلمات ما که برای رفع حاجت در زندگی روزمره دنیا وضع شده قادر نیست مسائل آن جهان بزرگ و کامل را توصیف کند، بلکه تنها می تواند اشاراتی به آن باشد. بعضی نیز تفاوت این لباسها را اشاره به تفاوت مقام قرب بهشتیان دانسته اند. ضمناً متقابل بودن بهشتیان با یکدیگر و حذف هر گونه تفاوت و برتری-جویی در میان آنها اشاره ای است به روح انس و اخوتی که بر جلسات آنها حاکم است، جلساتی که جز صفا و روحانیت و معنویت در فضای آن چیزی وجود ندارد.

در مرحله چهارم نوبت به همسران آنها می‌رسد می‌گوید: آری اینچنینند بهشتیان، و حور العین را به همسری آنها درمی‌آوریم (کذلک و زوجناهم بحور عین). حور جمع حوراء و احور به کسی می‌گویند که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً شفاف است! عین (بر وزن چین) جمع اعین و عیناء به معنی درشت چشم است. از آنجا که زیبایی انسان بیش از همه در چشمان او است، در اینجا چشمان زیبای حور العین را توصیف می‌کند، و البته در آیات دیگر قرآن زیباییهای دیگر آنها نیز به طرز زیبایی مطرح شده است.

سپس به ذکر پنجمین نعمت بهشتیان پرداخته می‌افزاید: آنها هر نوع میوه ای را بخواهند تقاضا می‌کنند در اختیارشان قرار می‌گیرد و در نهایت امنیت هستند (یدعون فیها بكل فاکهه آمنین). حتی مشکلاتی که در بهره‌گیری از میوه‌های دنیا وجود دارد برای آنها وجود نخواهد داشت، میوه‌ها همگی نزدیک و در دسترسند، بنا بر این زحمت و رنج چیدن میوه از درختان بلند در آنجا نیست (قطوفها دانیة) سوره ی حاقه، آیه ی ۲۳.

-انتخاب هر گونه میوه ای را بخواهند به دست آنهاست: (و فاکهه مما یتخیرون) سوره ی واقعه، آیه ی ۲۰؛ بیماریها و ناراحتیهایی که گاه بر اثر خوردن میوه‌ها در این دنیا پیدا می‌شود در آنجا وجود ندارد، و نیز بیماری از فساد و کمبود و فنای آنها نیست، و از هر نظر فکر آنها راحت و در امنیتند. به هر حال اگر غذای دوزخیان زقوم است و در درون آنان همچون آب جوشان می‌جوشد، طعام بهشتیان میوه‌های لذتبخش و خالی از هر گونه ناراحتی است.

جاودانگی بهشت و نعمتهای بهشتی ششمین موهبت الهی بر متقین است، چرا که آنچه فکر انسان را به هنگام وصال ناراحت می‌کند بیم فراق است، به همین جهت می‌فرماید: آنها هیچ مرگی جز همان مرگ اول که در دنیا چشیدند نخواهند چشید! (لا یدوقون فیها الموت إلا الموتة الأولى). برای اهل بهشت تصور اینکه مرگی وجود داشته باشد نهایت ناراحتی است، برای اهل جهنم تصور اینکه مرگی وجود داشته باشد نهایت بشارت است. به اینها وقتی می‌گویند مرگی نیست، این بزرگترین عذابهاست، به آنها وقتی می‌گویند دیگر مرگی نیست بزرگترین بشارتهاست. جالب اینکه قرآن مساله جاودانه بودن نعمتهای بهشت را با تعبیرات مختلف بیان کرده است، گاه می‌گوید: «خالدین فیها» جاودانه در باغهای بهشت خواهند ماند (این تعبیر در آیات زیادی از قرآن مجید وارد شده است، از جمله آل عمران ۱۵، آل عمران ۱۳۶، نساء ۱۳، نساء ۱۲۲، مائده ۸۵ و غیر آن). و گاه می‌گوید: «عطاء غیر مجذوذ» این عطائی است قطع نشدنی (هود- ۱۰۸).